

بقایای فرهنگی نویافته از دوره مس و سنگ در تاق بستان کرمانشاه

علی هژبری

کارشناس معاونت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور

Ali.hozhabri2011@gmail.com

محمد امین میرقادری

دانشجوی دکتری باستان شناسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۷)

چکیده

زاگرس مرکزی، به عنوان یکی از مهم ترین مناطق جغرافیایی در باستان شناسی ایران، سال هاست که مورد توجه باستان شناسانی است که به ایران می پردازند. یکی از آثار مهم تاریخی در زاگرس مرکزی که در آینده نزدیک در زمره میراث فرهنگی جهانی قرار خواهد گرفت، مجموعه تاق بستان کرمانشاه است. سال ها از بررسی ها و کاوش ها در محدوده آثار جهانی تاق بستان کرمانشاه می گذرد و در نگاه باستان شناسان و پژوهشگران از این مجموعه به عنوان مجموعه ای تاریخی یاد می شود؛ مجموعه ای که در برگیرنده آثاری از ادوار اشکانی و ساسانی است و اهمیت آن چنان است که در سال های اخیر برای قرارگیری در فهرست میراث جهانی یونسکو مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به اهمیت این مجموعه، بررسی ها و کاوش های فراوانی در محدوده این آثار در سالیان گذشته انجام گرفته است که به بهتر شدن درک ما از جایگاه این محوطه تاریخی و باستانی کشورمان کمک شایانی کرده است. با وجود تمام پژوهش های صورت گرفته در محدوده این مجموعه که در سالیان متمادی قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی صورت پذیرفته است، وجود محوطه ای پیش از تاریخی در این مجموعه، متأسفانه نوعی سطحی نگری در پژوهش های پیشین را نمایان می کند. در این مجال به معرفی محوطه پارک غربی تاق بستان، به عنوان یکی از قدیمی ترین بقایای فرهنگی مجموعه تاریخی تاق بستان خواهیم پرداخت و تلاش خواهیم نمود تا با استفاده از مطالعه یافته های سطحی این محوطه، تاریخ نسبی آن را تعیین کنیم.

واژگان کلیدی: تاق بستان، محوطه پارک غربی تاق بستان، دوره مس و سنگ، کرمانشاه.

مقدمه

زاگرس مرکزی به عنوان یکی از کلیدی ترین منظرهای باستان شناسی ایران، در طول یکصده اخیر و مخصوصاً از دهه ۱۹۵۰ میلادی مورد توجه باستان شناسان بوده است (Abdi, 2001). به نظر می رسد شکل و ساختار ناهمواری های موجود در این ناحیه از خاور نزدیک، بسیاری از تحولات فرهنگی در طول ادوار تاریخی و پیش از تاریخی را سازمان دهی کرده است (Gopnik 2011; Wright 1993). هر چند از منظر بسیاری از باستان شناسان، زاگرس مرکزی، بیش تر از نظر برخورداری از بقایای فرهنگی به جامانده از جوامع پیش از تاریخی حائز اهمیت باشد، چرا که علاوه بر همجواری با مرکز فلات ایران، سرزمین های پست میان رودان و جنوب غرب ایران، با ارتفاعات شمال غرب ایران نیز همجوار است (Young, 1972) اما در دوران تاریخی و حتی اسلامی نیز از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. در این میان می توان مجموعه آثار تاق بستان که امروزه در شمال شهر کرمانشاه قرار دارد را نام برد که در مسیر راهی باستانی تحت عنوان «شاهراه خراسان بزرگ» (Abdi 1999: 33; Majidzadeh 1982: 59) قرار گرفته است (تصویر ۱). شهرت این محوطه به دلیل وجود نقوش برجسته مربوط به دوره ساسانی است (گیرشمن، ۱۹۳، ص ۱۳۷۰) که برای اولین بار توسط آبه پوشان در سال ۱۷۹۲ میلادی مورد بازدید قرار می گیرد ولی می توان گفت مطالعات هرتسفلد، اولین پژوهش های علمی بر روی مجموعه تاق بستان بوده است (هرتسفلد، ۱۳۸۱). از سوی دیگر کاوش های انجام

گرفته در این محوطه توسط مرحوم سیف الله کامبخش فرد در سال ۱۳۴۸ که در پی کشف اتفاقی چند گورخمره توسط کارگران شهرداری صورت پذیرفت، شواهدی از یک گورستان اشکانی با بیش از ۵۰ گورخمره و بقایای دهکده ای از دوره اشکانی را آشکار ساخت (کامبخش فرد، ۲۹، ص ۱۳۵۰؛ کامبخش فرد، ۱۳۷۷). با توجه به بررسی ها و پژوهش های باستان شناسی که در مسیر راه های باستانی غرب ایران (Stein, 1940) یا بررسی های انجام شده در منطقه (Braidwood, 1961; Levine and McDonald: 1977; Levine 1976; Schmidt 1940; Brookes et al 1982; Henrickson, 1983; Henrickson 1985) و حتی با وجود بیش از نود سال مطالعات باستان شناسی در محدوده این مجموعه، متأسفانه هیچ یک از آنها گزارشی پیرامون موجودیت استقرار پیش از تاریخی در این مجموعه را نداده بود. نزدیک ترین محوطه پیش از تاریخ شناسایی شده در نزدیکی این محوطه، تپه مراد حاصل است که توسط حسن رضوانی مورد شناسایی و بررسی قرار گرفته و مربوط به دوره های مس و سنگ و مفرغ است (رضوانی، ۱۳۷۸). در طی کشف اتفاقی محوطه در تابستان ۱۳۹۲ توسط علی هژبری، شواهدی از یک محوطه مربوط به دوره مس و سنگ، در پارک غربی مجموعه تاق بستان شناسایی شد. این محوطه پس از شناسایی مورد بررسی پیمایشی قرار می گیرد و یافته های سطحی آن برای تشکیل پرونده این محوطه در سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مستندنگاری می شود. این مقاله به معرفی این محوطه کلیدی، به عنوان قدیمی ترین بقایای فرهنگی این

پیرامون محوطه باعث گردیده تا در این بخش ساخت و سازهای شهری صورت نگیرد و تا حدودی عرصه محوطه حفظ شود. با این وجود، از آنجاکه سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر کرمانشاه در کنار این محوطه قرار دارد، شهرداری کرمانشاه در سال ۱۳۸۴ تصمیم به ایجاد پارکینگ در این محوطه گرفت و در دو نقطه از محوطه اقدام به خاکبرداری عمیق نمود. نتیجه این خاکبرداری‌ها، آشکار شدن تعدادی گورخمره اشکانی بود که متأسفانه با این خاکبرداری از بین رفته و اداره میراث فرهنگی و گردشگری وقت از ادامه کار آنها جلوگیری نمود ولی برش‌ها همچنان تا امروز مشخص هستند. با این وصف شهرداری رفته‌رفته محل این برش‌ها را به جایی برای انباشت زباله‌های شهری، آوارهای ساختمانی و نیز کود حیوانی مورد نیاز برای فضاهای سبز پارک پیرامون مجموعه تاق‌بستان تبدیل کرد که با دخل و تصرفات انجام شده به پارک غربی تاق-بستان تبدیل شده بود (تصاویر ۷-۴).

گاهنگاری محوطه

به استثناء محوطه‌ها و غارهای شناخته‌شده در حول و حوش کوه تاق‌بستان که با فاصله از آثار دوران تاریخی قرار دارند، مجموعه تاق‌بستان را مجموعه‌ای تاریخی دربرگیرنده بقایای فرهنگی دوره‌های اشکانی، ساسانی و قاجار معرفی و مطالعه نموده بودند. کشف محوطه‌ای پیش‌ازتاریخی در این مجموعه، می‌تواند بیانگر اهمیت این محوطه، نه فقط در دوران تاریخی و اسلامی بلکه در دوران پیش-ازتاریخ (مس و سنگ) باشد.

مجموعه می‌پردازد و سعی در ارائه تاریخی نسبی برای آثار این محوطه دارد. در ادامه نیز با نگاهی تحلیلی و با توجه به گاه‌نگاری و موقعیت قرارگیری این محوطه به بررسی جایگاه این منطقه در دوره مس و سنگ می‌پردازیم.

محوطه پارک غربی تاق‌بستان

در شمالی‌ترین بخش امروزی شهر کرمانشاه و در کنار مجموعه تاریخی تاق‌بستان، محوطه پارک غربی در طول جغرافیایی E1444660.640 و عرض جغرافیایی N133812077.212 واقع شده است (تصاویر ۲-۱). ارتفاع این محوطه از سطح دریا ۱۳۹۵ متر بوده و دارای یک کیلومتر طول و ۳۰۰ متر عرض است. این محوطه در بخش غربی محدوده تاق‌بستان، در پارک غربی این مجموعه و در دامنه کوه، در میان درختان کاج قرار گرفته است (تصویر ۴). در نزدیکی این محوطه آبرگیری که چشمه آبی از بستر آن می‌جوشد، دیده می‌شود. این برکه که به نام سراب تاق‌بستان معروف است، در صد متری شرق محوطه قرار گرفته است^۱. محوطه پارک غربی تاق-بستان در فاصله یک کیلومتری شمال رودخانه قره‌سو (تصویر ۳)، در شیب نسبتاً تند دامنه کوه قرار گرفته و توسط ماشین‌آلات سنگین، برش‌های عمیقی در دو بخش آن ایجاد شده است. گورستان اشکانی تاق-بستان بر روی بقایای محوطه پارک غربی تاق‌بستان ایجاد شده است. خوشبختانه ایجاد جنگل کاج در

^۱ - به نظر می‌رسد اقدامات عمرانی در پیرامون مجموعه تاریخی تاق‌بستان در دوره ساسانی برای ایجاد تاق‌ها و نقش‌برجسته، در دوره اسلامی برای ایجاد عمارت مسعودیه و در دوره معاصر برای مقاصد گردشگری به محوطه صدمه زده و قاعدتاً محوطه باید تا کنار برکه ادامه می‌داشته است.

جدید در محوطه پارک غربی تاق‌بستان دارای خمیره نخودی با آمیزه گیاهی و دارای پوششی به رنگ قرمز روشن هستند. این سفال‌ها دست‌ساز بوده و دارای پخت مناسب و کیفیت ساخت معمولی هستند. در میان سفال‌های سطحی این محوطه، نمونه نقوشی یافت نشد اما با این وجود، بر اساس خصوصیات ظاهری این سفال‌ها می‌توان آن‌ها را به دوره مس و -سنگ جدید نسبت داد، به‌ویژه آن‌که نمونه‌هایی از کاسه‌های لبه‌طوماری^۲ رایج دوره میانی مس و سنگ را می‌توان در میان یافته‌های سطحی مشاهده کرد. با توجه به برشی که تیغه‌های ماشین‌آلات راه‌سازی در محوطه ایجاد کرده می‌توان انباشت مواد فرهنگی در این محوطه را مشاهده کرد (تصویر ۸).

بحث و نتیجه‌گیری

غرب ایران در طول دوره مس و سنگ، در زمینه الگوهای معیشتی، ساختارهای گوناگونی را تجربه کرده است (Abdi 2003). همزمان با دوره میانی مس و سنگ در زاگرس مرکزی شاهد افزایش چشمگیر استقرارهای یکجانشین که احتمالاً از الگویی مبنی بر کشاورزی و دامپروری پیروی می‌کرده‌اند، هستیم (Henrickson 1985; Abdi et al 2002). از سوی دیگر، پس از پایان این دوره، شاهد کاهش بی‌سابقه استقرارها در زاگرس مرکزی هستیم. از آنجایی که کاهش جمعیت نمی‌تواند دلیلی واقعی برای چنین رویدادی باشد، به نظر می‌رسد تغییر الگوهای معیشتی از یکجانشینی و کشاورزی به

در زاگرس مرکزی، کاوش‌های گودین را می‌توان پایه و اساسی برای گاه‌نگاری غرب ایران در نظر گرفت (Young 1969; Young and Levin 1974; Young and Smith 1966) اما به نظر می‌رسد در طول هزاره چهارم پ.م، بر خلاف دشت کنگاور، سنت‌های سفالی میان‌رودانی در دشت‌های غربی زاگرس مرکزی مانند ماهیدشت، نسبت به دشت‌های شرقی زاگرس مرکزی رواج بیشتری دارد (Rothman and Badler 2011:91). بر همین اساس گاه‌نگاری دوره مس و سنگ دشت کرمانشاه و نیز دشت ماهیدشت، بر اساس کاوش‌های صورت گرفته در سیاه‌بید و چغاماران قابل مطالعه است (Henrickson 1983; Henrickson 1985; Levine and Young 1986: 48). در این گاه‌نگاری دوره مس و سنگ جدید این منطقه که در چغاماران و در کارگاه شماره سه شواهد آن به دست آمده، در برگزیده سفال‌های دست‌ساز قرمز و سیاه است که نمونه‌های نقوش با نقوش سیاه‌رنگ تزئین شده‌اند (Henrickson 1983: 488). تاریخ پیشنهادی برای مس و سنگ جدید ماهیدشت ۳۶۰۰-۳۰۰۰ پ.م است (Ibid 486) و با توجه به مقایسه یافته‌های سفالی به دست آمده از روی سطح این محوطه، می‌توان به همزمانی این محوطه با گودین VI:1 و نیز لایه‌های مس و سنگ جدید در سیاه‌بید و چغاماران پی برد (جدول ۱).

مواد فرهنگی

مواد فرهنگی سطحی این محوطه را عمدتاً قطعات سفالی تشکیل می‌دهد. سفال‌های دوره مس و سنگ

^۲ - Rolled Rim Blow

مرکزی که در نواحی غربی تر پر رنگ تر است، بر اهمیت این محوطه می افزاید. به دلیل گستردگی ارتباطات فرهنگی طی این دوره، میان جوامع ساکن در سرزمین های پست میان رودان و مردمان سرزمین های مرتفع زاگرس در طول دوره اوروک که همزمان با هزاره چهارم پ.م است و با گسترش فهم ما از این دوره، باستان شناسان دریافتند که سازوکار نام گذاری فرهنگ ها بر اساس نام محوطه، برای توصیف و تحلیل پیچیدگی های فرهنگی در یک منطقه و در یک دوره دیگر کارآمد نیست. در گردهمایی اخیر باستان شناسان و مورخان که در سال ۲۰۰۱ م. تحت عنوان «میان رودان اوروکی و همسایگان آن»^۴ منتشر شد، یک چارچوب گاه نگاری برای شناخت بهتر فرهنگ های فرامنطقه ای ایجاد شد؛ این چارچوب تحت عنوان مس وسنگ جدید یا LC-5 نام گرفت (Rothman, 2001). در این الگوی جدید، گودین VI همزمان با مس وسنگ جدید ۲-۵ است. همان طور که در بخش گاه نگاری صحبت شد، سفال های سطحی محوطه پارک غربی تاق بستان نیز این نکته را تأیید می کنند که یکی از دوره های سکونت در این محوطه، همزمان با گودین VI است. اما سوال اساسی اینجاست که آیا می توان بر اساس یافته های سطحی تاریخ دقیقی برای این محوطه در نظر گرفت؟ همان طور که گفته شد، در هزاره چهارم پ.م هرچه به غرب زاگرس مرکزی نزدیک می شویم، حضور عناصر فرهنگی میان رودانی پررنگ تر می شود (Rothman and Badler 2011: 91). حضور مواد فرهنگی میان رودانی در محوطه هایی که در مسیر

کوچروی دلیلی بر این مدعا باشد (Rothman and Badler 2011). محوطه پارک غربی تاق-بستان نیز محوطه ای به جای مانده از دوره مس وسنگ جدید بوده که در حاشیه دشت کرمانشاه واقع شده است. این محوطه همزمان با تحولات فرهنگی در حال جریان در سرزمین های پست میان رودان دارای ساکنینی بوده است. محوطه پارک غربی در فاصله یک کیلومتری منابع دائمی آب و در حاشیه دشت قرار گرفته است. هرچند بر اساس نظر برخی از پژوهشگران پیرامون استقرارهای پیش از تاریخی زاگرس مرکزی که بر مطالعات قوم باستان شناسی تکیه دارند، دور بودن از منابع دائم آب نمی تواند دلیلی بر نیمه یکجانشین بودن ساکنین آن محوطه باشد (Rothman 2011: 58)، اما ویژگی هایی مانند ضخامت انباشت های فرهنگی، وسعت محوطه و قرار گیری در مسیر شاهراهی کلیدی در کنار سایر عوامل (Abdi 2003)، ما را بر آن می دارد که الگویی نیمه یکجانشین را برای این محوطه در نظر بگیریم. در این الگو کوچروی و نیمه یکجانشین، استقرارها دارای فاصله نسبتاً زیادی از منابع دائمی آب هستند و در نزدیکی راه های ارتباطی واقع شده اند، این الگوی گسترده ترین الگوی کوچروی در میان سه الگوی دیگر است که به عشایر عشایر کوچرو^۳ موسوم است (Ibid, 398).

از سوی دیگر قرارگیری این محوطه در مسیر شاهراه خراسان بزرگ، همزمان با تحولات جاری در میان رودان و حضور فرهنگی این جوامع در زاگرس

⁴ - Uruk Mesopotamia and Its Neighbors

³ - Nomadic pastoralism

در غرب ایران در دوره مس و سنگ میانی به همراه داشته باشد.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله از آقایان علی رضا مرادی بیستونی، معاون وقت میراث فرهنگی استان کرمانشاه؛ احسان احمدی نصر، مسئول وقت باستان‌شناسی استان؛ ذبیح-اله بختیاری، طراح سفال و خانم اکرم طهماسبی، کارشناس باستان‌شناس استان؛ و نیز راهنمایی‌های دکتر سجاد علی بیگی در تدوین این مقاله قدردانی می‌نمایند.

منابع

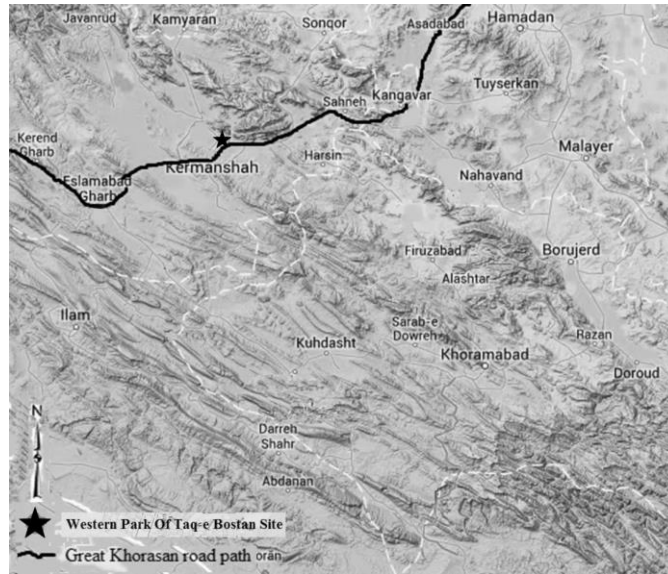
- رضوانی، حسن و کوروش روستایی، ۱۳۸۶، گزارش بررسی باستان‌شناختی بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۵۰، کاوش‌های علمی در کنگاور، معبد آناهیتا، بررسی‌های تاریخی ۶: صص ۱۰-۳۲
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۷۷، گور خمره‌های اشکانی، ضمیمه مجله باستان‌شناسی و تاریخ ۳۴
- گیرشمن، رمان، ۱۳۷۰، هنر ایران در زمان پارت و ساسانی، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی

شاهراه خراسان هستند از شدت بیشتری برخوردار است و با توجه به تاریخ‌گذاری پیشنهادی برای این محوطه، یعنی همزمانی آن با دوره ششم گودین (LC2-5)، انتظار می‌رود در بقایای سطحی محوطه، به‌مانند محوطه‌های همزمان در دشت کنگاور و سایر محوطه‌هایی که در مسیر شاهراه خراسان هستند، بقایای کاسه لبه‌واریکته مشاهده شود، اما فقدان بقایای کاسه لبه‌واریکته ما را بر آن می‌دارد که این محوطه را در همزمان با فاز سوم گودین VI در نظر بگیریم. با توجه به الگویی که در دشت کنگاور پیرامون ظهور کاسه‌های لبه‌واریکته ارائه شده است نمی‌توان انتظار مشاهده شواهد کاسه‌های لبه‌واریکته را در همه محوطه‌های زاگرس مرکزی به ویژه محوطه‌های کوچک‌تر، حتی با وجود گسترش فرهنگ اوروک در غرب زاگرس مرکزی و در مسیر شاهراه خراسان بزرگ را داشت (Badler, 2002).

از آنجاکه بسیاری از باستان‌شناسان بر این عقیده‌اند که داده‌های سطحی نمی‌توانند گویای تمام ادوار و مواد فرهنگی موجود در یک محوطه باشند و بررسی‌های باستان‌شناختی تنها دورنمایی از ساختار فرهنگی یک محوطه یا یک محدوده جغرافیایی ترسیم می‌کند (Evans, 1982)، در پایان، پیشنهاد می‌شود ابتدا گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه پارک غربی تاق‌بستان و در ادامه، کاوش در این محوطه برای بازسازی ویژگی‌های جامعه‌ای نیمه‌یکجانشین در مسیر شاهراه خراسان بزرگ و سنجش میزان تأثیرات فرهنگی جوامع سرزمین‌های پست بر شکل‌گیری و توسعه جامعه نیمه‌یکجانشینی

- Abdi, K. 1999. Archaeological Research in the Islamabad Plain, Central Western Zagros Mountains: Preliminary Results from the First Season, Summer 1998. *Iran* 37: 32-44.
- Abdi, K. 2003. The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Mountains. *Journal of World Prehistory* 17(4): 398-448.
- Abdi, K. Nokandeh, G. Azadi, A. Biglari, F. Heydari, S. Farmani, D. Rezaii, A. and Mashkour, M. 2002. Tuwah Khoshkeh: A Middle Chalcolithic pastoralist Campsite in the Islamaad Plain, West Central Zagros Mountains, Iran, *Iran* XL :43-74.
- Badler. V.R. 2002. Chronology of Uruk Artefacts from Godin Tepe in Central Western Iran and Its Implications for the Interrelationships Between the Local and Foreign Cultures. In, Nicholas Postgate (eds.), *Artifacts of Complexity*, Wiltshire, England :British School of Archaeology in Iraq: 79-110.
- Braidwood, J. 1961. The Iranian Prehistoric Project. *Iranica Antiqua* I: 3-7.
- Brookes, I.A. Levine, L.D. and Dennell, R.W. 1982. Alluvial Sequence in Central West Iran and Implications for Archaeological Survey. *Field Archaeology* IX (3):285-299.
- Evans, S.1982. Settlement Models in Archaeology. *Journal of Anthropological Archaeology* 1: 275-304
- Gopnik. H. 2011. Making Sense of the Mound: Archaeological Interpretation at Godin. In: Hilary Gopnik and Mitchell S Rothman (eds.), *On the High Road: The History of Godin Tepe Iran*, *Bibliotheca Iranica, Archaeology Art and Architecture Series*1: 21-49
- Henrickson, E. F, 1985, The early development of pastoralism in the central Zagros highlands (Luristan), *Iranica Antiqua* XX:1-42
- Henrickson, E. F., 1983, *Ceramic Styles and Cultural Interaction in the Early and Middle Chalcolithic of the Central Zagros, Iran*, Ph.D. Dissertation, Department of Anthropology, University of Toronto.
- Levine 1976 , The Mahidasht project, *Iran* XIV: 160-1.
- Levine, L. and Young, C.T., 1986. A Summary of The ceramic assemblages of the central western Zagros from the middle Neolithic to the late third millennium B.C. *Colloquies internationaux CNRS Prehistoire de la Mesopotamia* 17-18-19 December 1984P.17 Editions due CNRS: Paris.

- Levine, L.D. 1974. "Archaeological Investigations in the Mahidasht, Western Iran. *Paléorient* 2(2): 487-490.
- Levine, L.D. and McDonald, M.A. 1977. The Neolithic and Chalcolithic Periods in the Mahidasht. *Iran* XVI: 39-50.
- Majidzadeh, Y. 1982. Lapis lazuli and the Great Khorasan Road. *Paléorient* VIII(1): 59-69.
- Rothman, M. S and Badler, V. R. 2011. Contact and Development in Godin Period VI. In: Hilary Gopnik and Mitchell S Rothman (eds.), *On The High Road: The History of Godin Tepe Iran*, *Bibliotheca Iranica, Archaeology Art and Architecture series*1: 67-139.
- Rothman, M. S. 2011. The Environment of Godin Tepe. In: Hilary Gopnik and Mitchell S Rothman (eds.), *On the High Road: The History of Godin Tepe Iran*, *Bibliotheca Iranica, Archaeology Art and Architecture Series*1: 49-66
- Rothman, M.S. 2001. *Uruk Mesopotamia and its Neighbors: Cross-cultural Interaction in the Era a State Formation*. School of American Research Press.
- Schmidt, E. 1940. *Flights over Ancient Iran*, Chicago: University of Chicago.
- Stein, M.A. 1940. *Old Routes of Western Iran*, London.
- Wright, H. E. Jr. 1993. Environmental Determinism in Near Eastern Prehistory. *Current Anthropology*, XXXIV(4). Pp: 458-469
- Young, C.T. Jr. 1969. The Chronology of the Late Third and Second Millennia in Central Western Iran as Seen from Godin Tepe, *American Journal of Archaeology* 73 (3): 287-291.
- Young, T.C. Jr. and Levine, L.D. 1974. *Excavations of the Godin Project: Second Progress Report*, Toronto, Royal Ontario Museum, *Art and Archaeology Occasional Paper* 26.
- Young, T.C. Jr. and Smith, P.E.L. 1966. Research in the Prehistory of Central Western Iran, *American Association for the Advancement of Science* 153 (3734): 386-391.
- Young, T.C. 1972. Population Densities and Early Mesopotamian Urbanism. In *Man, Settlement and Urbanism*, edited by Ucko et al. P.J. London, Gerald Duckworth and Co. 827-842



تصویر ۱: موقعیت قرارگیری محوطه پارک غربی تاق‌بستان در مسیر شاهراه خراسان



تصویر ۲: موقعیت قرار گیری شهر کرمانشاه



تصویر ۳: موقعیت قرارگیری محوطه در شمال رودخانه قره‌سو



تصویر ۵: انباشت زباله در محوطه



تصویر ۴: فرارگیری محوطه در میان انبوه درختان کاج



تصویر ۷: بخشی از محوطه که توسط تیغه‌های بولدوزر برش داده شده است.



تصویر ۶: تخریب انجام شده توسط ماشین‌آلات راه‌سازی



تصویر ۸: برخی از سفال‌های عصر مس و سنگ جدید محوطه

جدول (۱) جدول مشخصات سفال

منبع	دوره	توصیف: نوع قطعه، پوشش، ماده چسباننده، پخت، شیوه ساخت	ردیف
Rathman and Badler 2011: fig 4-48	LC2-5	لبه، دست مرطوب، کاه، کافی، دست ساز	۱
Rathman and Badler 2011: fig 4-46	LC2-5	لبه، لعاب گلی رقیق، کاه، کافی، دست ساز	۲
Rathman and Badler 2011: fig 4-44	LC2-5	لبه، دست مرطوب، شن ریز، کافی، دست ساز	۳
Rathman and Badler 2011: fig 4-45	LC2-5	لبه، دست مرطوب، کاه، کافی، دست ساز	۴
Rathman and Badler 2011: fig 4-46	LC2-5	لبه، دست مرطوب، شن ریز، کافی، دست ساز	۵
Rathman and Badler 2011: fig 4-46	LC2-5	لبه، دست مرطوب، کاه، کافی، دست ساز	۶
Rathman and Badler 2011: fig 4-48	LC2-5	لبه، دست مرطوب، شن ریز، کافی، دست ساز	۷
Rathman and Badler 2011: fig 4-45	LC2-5	لبه، لعاب گلی غلیظ، شن درشت، ناکافی، دست ساز	۸
1983: fig 88-1 Henrickson	LC2-5	لبه، لعاب گلی رقیق، شن ریز، کافی، دست ساز	۹
Henrickson 1983: fig 93-11; Rathman and Badler 2011: fig 4-45	LC2-5	لبه، لعاب گلی رقیق، شن ریز، کافی، دست ساز	۱۰
Rathman and Badler 2011: fig 4-48	LC2-5	لبه، دست مرطوب، کاه، کافی، دست ساز	۱۱